

شیرها در بند نمی ماند

روایتی داستانی از زندگی سردار شهید اکبر دهباشی

به قلم: طیبه مزینانی

www.ketab.ir

سرشناسه: مزینانی، طیبه، ۱۳۶۰

عنوان و نام پدیدآور: شیرها در بند نمی‌مانند/ اکبر دهباشی؛ به قلم طیبه مزینانی.

مشخصات نشر: کرمان: کنگره شهدای استان کرمان، انتشارات مبشر، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۱۵۸ص.: مصور (بخشی رنگی). ۲۱/۵×۱۴/۵سم.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۳۸۹-۴-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: دهباشی، اکبر، ۱۳۴۰ - ۱۳۷۰.

موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴

ر.ص. - Persian fiction- 20th century

شماره افزوده: کنگره شهدای استان کرمان. انتشارات مبشر

رده بندی کنگره: ۱۳۰۵۹ش۹۲۵/ز۸۲۰۳ PIR

رده بندی دیوبند: ۸۱ف۳/۶۲

شماره کتابخانه ملی: ۴۵۶۰۷۷۲



شیرها در بند نمی‌مانند

انتشارات مبشر

وابسته به کنگره شهدای استان کرمان، انتشارات مبشر

روایتی داستانی از زندگی سردار شهید اکبر دهباشی

نویسنده: طیبه مزینانی

ویراستار: مرضیه جمالی

طراح جلد و صفحه‌آرایی: موسسه امیدکویر

چاپ و صحافی: پرنیان قم

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۲۰۰۰ ریال

آدرس انتشارات: کرمان خیابان مصلی، مرکز حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس سپاه ثارالله

تلفن: ۰۳۴-۳۲۷۱۷۷۱۱

صندوق پستی: ۷۶۱۷۵-۱۵۸

پست الکترونیکی: Mobasherkerman@chmail.ir

مرکز پخش: کرمان انتشارات مبشر

۸	مقدمه ناشر
۹	پیشگفتار
۱۱	بخت بلند (اسفندماه ۱۳۴۴)
۱۷	دست‌های بسته (فروردین‌ماه ۱۳۷۰)
۲۳	شگفتی غریب (اسفندماه ۱۳۴۵)
۲۶	زن‌جیر (فروردین‌ماه ۱۳۷۰)
۳۱	چشم ز... (اردیبهشت‌ماه ۱۳۴۹)
۳۷	آتش روی زخم‌افروردن (۱۳۷۰)
۴۱	کار بی‌مزد (دی‌ماه ۱۳۵۶)
۴۷	ما مسلمانیم (اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۰)
۵۱	چاه پُر برکت (تیرماه ۱۳۵۷)
۵۶	رخست بدهید... (اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۰)
۶۴	اعلامیه‌های آقا (آذرماه ۱۳۵۷)
۶۹	گمشده (اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۰)
۸۲	دای فرزند زهرا (س) (شهریورماه ۱۳۶۱)
۸۵	جای حق (خردادماه ۱۳۷۰)
۹۰	به سمت مشرق (مهرماه ۱۳۶۲)
۹۶	چرا نشسته‌ای؟ (اسفندماه ۱۳۶۳)
۱۰۱	پاسدار (بهمن‌ماه ۱۳۶۴)
۱۰۷	یک اسلحه (خردادماه ۱۳۷۰)
۱۱۳	خبرِ خاص (فروردین‌ماه ۱۳۷۰)
۱۱۹	خودم هستم (فروردین‌ماه ۱۳۷۱)
۱۲۲	در پناه خدا (فروردین ۱۳۷۱)
۱۲۶	نشانه (فروردین‌ماه ۱۳۷۱)
۱۳۹	یک نفر کنارش هست (اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۱)

پیشگفتار

اتفاقی افتاد و با دو نفر آشنا شدم؛ یکی شان وقتی دنیا آمده بود، مؤمنی در چهره‌اش، بزرگی و فخرآفرینی دیده بود و بعد از اذان و اقامه گفتن در گوشش، نام او را گذاشته بود اکبر. به سن و سال جوان بود و لحظه وصال، عمری بیشتر از علی اکبر حسین (علیه السلام) نداشت.

یک روز، شیر کارزار بود و پیر دنیا. رفقا و هم‌رزم‌ها به نام میثم می‌شناختندش. میثم‌دار زبان بر آن و حق‌گویی داشت که در محکمه ظلم، به مصلحت حفظ جان هم غلاف بند. شایعتش کم‌نظیر بود و مایه مباهات دیگران. این اثر؛ روایتی است، داستانی از اندک لحظات زندگی همان پیر و جوان که سال‌های سال نشانه‌ای از شجاعت و فخرآفرینی و چگونگی وصالشان بر من و ما پوشیده بود و هست.

یاد تمامی شاهدان شهید، کرامی و در شان پر رهرو باد.

سبیه مزینانی